

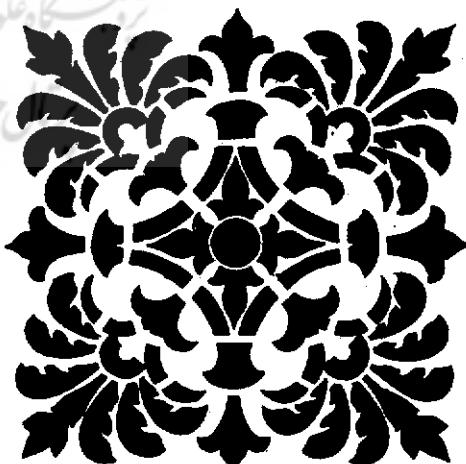
تأثیر زبان فارسی در چین

همان طوری که می‌دانید، چین و ایران از ممالک آسیایی هستند که تاریخ طولانی و تمدن باستانی را دارا می‌باشند. از زمانهای قدیم به این طرف، «جاده ابریشم» ملت‌های این دو کشور را به هم پیوسته و در ایجاد رفت و آمد های دوستانه دو ملت، رونق بخشیدن به اقتصاد دو کشور و تسریع تبادلات فرهنگی آنها نقش مهمی را ایفا کرده است. بی شک ورود فارسی به چین در این زمینه‌ها تأثیرات مثبتی آورده است. برای ما هنوز مشکل است که به طور دقیق بگوییم که زبان فارسی در چه زمانی وارد چین گردید، ولی آنچه مسلم است این است که این زبان پس از آمدن دین اسلام داخل چین شده است. این امر تقریباً از قرن یازدهم به بعد صورت گرفت. در کتب قدیمی دینی چین، از نخستین نوشته‌های فارسی آن زمان اشاره‌ای بوده است. زبان فارسی پس از اینکه به چین آمد، قبل از همه در میان مسلمانان چینی ای که در شمال غربی چین اقام‌داشتند، شناخته می‌شد و فرا گرفته می‌گردید و به‌زودی در ناحیه سین‌کیانگ شیوع می‌یافت. آنها در زندگی روزمره خود بخصوص در موقع نماز خواندن تعداد زیادی از واژه‌های فارسی را به کار می‌بردند، مثلًا: «آپدست»، «دوست»، «جمعه»، «نماز بامداد»، «نماز پیشین»، «نماز دیگر» و غیره.

سپس، مسلمانان چینی به‌منظور شناخت باز هم بیشتر فارس و تمدن درخشنان آن، اشتیاق فراگیری زبان فارسی را به‌شدت پیدا می‌کردند. بدین دلیل در بسیاری از مساجد چین فعالیت اولیه فارسی آموزی شروع شد. بعضی از مسلمانان باهوش و کوشای چینی که از فارسها زبان فارسی را یاد گرفته بودند در مساجد خود به مسلمانان چینی همان زبان را می‌آموختند. در عین حال تعدادی از کتب درسی در آن زمان به فارسی به رشته تحریر درآمد. در میان آنها یک کتاب درسی عام بوده است که *منهاج الطلب* نام داشت. مؤلف کتاب عالیمی بود به نام محمد بن الحکیم الزینی که در استان شاندون از سرزمین چین اقام‌داشت. این کتاب درسی یک کتاب دستور زبان است و از اولين نوشته‌هایی است که برای آموختن زبان فارسی تألیف شده است. تاریخ این کتاب در سال هزار و هفتاد هجری یعنی در حدود سیصد سال قبل است. بعضی دانشمندان ایرانی معتقدند که هیچ کتاب مستقل دستور زبان فارسی به‌دست ما نرسیده است که از این کتاب قدیمتر باشد. این کتاب دارای دو قسمت است که مفصل‌اسم، صفت، فعل، حرف اضافه و حرف ربط را مورد بحث و مذاکره قرار می‌دهد. دانشمند ایرانی دکتر محمد جواد شریعت موقع سفر خود به چین در سال ۱۹۷۸/۱۳۵۷ این کتاب را دریافت و هنگام برگشت، محتويات

فارسی در چین

زنگ یان شن (Zeng Yan Sheng)



کتاب را به صورت جزوی ای به چاپ رسانیده است.

یکی دیگر از مظاهر تأثیر زبان فارسی در چین وجود نسخهای خطی از کتابهایی است که می‌توان در انجمان اسلامی چین، کتابخانه پکن و مسجد «دون شی» واقع در شهر پکن به دست آورد. این امر به خوبی نشان می‌دهد که مسلمانان دانشپژوه چینی از این نسخهای گرانبهای خطی فارسی استفاده کرده و تلاش کرده بودند که تمدن فارس و تمدن اسلام را بشناسند. این کتابها اغلب درسی بوده است. بسیاری از نسخه‌ها دارای ترجمه لغات و عبارات به زبان چینی است و معمولاً کلمات چینی به صورت آوانویسی فارسی بین السطور آمده است و گاه هم به خط چینی ریز در کنار سطور یا بین سطور نوشته شده است. مضمون این نسخه‌های جمع شده بسیار غنی بوده و می‌توان بر چند گروه تقسیم کرد: (۱) کتاب دینی یعنی فقه و کلام؛ (۲) اخلاق دینی؛ (۳) سرگذشت حضرت رسول (ص) و احادیث؛ (۴) تفسیر؛ (۵) تصوف؛ و (۶) ادبیات گلستان سعدی. باید گفت که سعدی یکی از مشهورترین شعرای فارسی زبان است که برای قرنها مورد پسند مردم چین قرار گرفته است. ادبیات گلستان از کتابهای مهم درسی در چین شمرده می‌شود.

به طبع خواهد رسید. باید تذکر کرد که بعضی آثار ادبی دیگر مانند رستم و شهراب و گلستان سعدی از زبان روسی یا زبان انگلیسی به زبان چینی انتقال داده شده است. ما اکنون با کمال خوشی مشاهده می‌کیم که دانشمندان چینی در رشته زبان فارسی روز به روز بیشتر قادرند مستقل از زبان فارسی استفاده کرده و آثار ادبی یا تاریخی فارسی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و در نوشنی تزهای علمی توفيق یافته و در آموزش فارسی و مطالعه این زبان نقشهای ارزنده تری را ایفا نمایند.

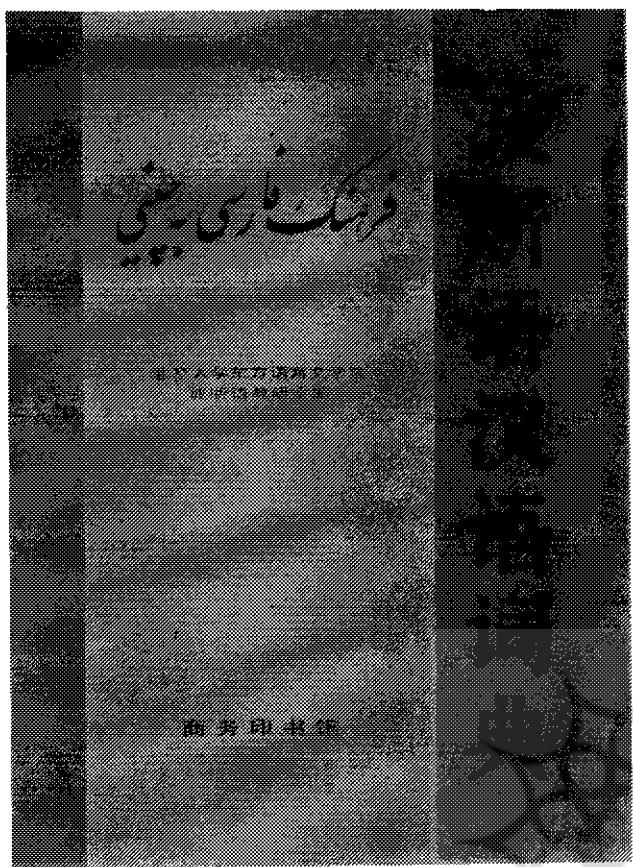
فارسی آموزی در چین

در بالا ذکر شد که فارسی آموزی فقط پس از ظهور چین نو در دانشگاه پکن و دانشکده‌های دیگر شروع شد. در سال ۱۹۵۷/۱۳۳۶ در دانشگاه پکن، یعنی در دانشکده زبانهای خاوری، اولین کلاس فارسی به وجود آمد. در این دانشکده بغير از زبان فارسی، زبانهای دیگر مانند عربی، اردو، ڈانپنی، مغولی، ویتنامی و غيره نیز تدریس می‌شد. دانشجویان نخستین کلاس فارسی قبل از ورودشان به دانشگاه مدت سه سال زبان روسی را خوانده بودند. از این جهت آنها بدون اشکال در ظرف سه سال تحصیلات خود زبان فارسی را به خوبی فرا گرفتند. در سال ۱۹۵۹/۱۳۳۸ دانشجویان دومین کلاس فارسی، فارسی آموزی را شروع کردند. این دسته از دانشجویان قبل از زبان انگلیسی را خوانده بودند. دوره این کلاس چهار سال بود. در سال ۱۹۶۳/۱۳۴۲ آنها نیز با کمال موفقیت فارغ التحصیل شدند. از سال ۱۹۶۱/۱۳۴۰ تا ۱۹۶۵/۱۳۴۴ ما هر دو سال یک بار دانشجویان جدید را برای فراگیری زبان فارسی گرفتیم. دوره تحصیل آنها پنج سال شد. دانشجویان در جریان آموزش خود بغير از فارسی که درس عمده شان بود درس‌های دیگری را مانند زبان چینی، انگلیسی، تاریخ ادبیات چین، تاریخ ادبیات شرق و غرب، فلسفه و غيره هم می‌خوانند. از سال ۱۹۵۷/۱۳۳۶ تا ۱۹۸۱/۱۳۶۰ که ۲۴ سال طول کشیده بود، ما مجموعاً بیش از صد نفر دانشجو از شش کلاس فارسی را تعلیم و تربیت دادیم.

پس از اینکه چین نو پا به عرصه وجود گذاشت، فارسی آموزی و مطالعه و بررسی زبان فارسی از چهارچوب مساجد خارج شد و در زمانهای مختلف در دانشگاه پکن، دانشکده رادیو، دانشکده اسلامی و دانشکده اقلیتها ملی شمال غربی کلاس‌های فارسی به وجود آمده است. تابه حال چند صد نفر دانشجوی چینی زبان فارسی را به درجات گوناگونی تعلیم یافته‌اند. از میان آنها، نخستین دسته دانشمندان چینی در رشته فارسی ظهور کرده است. آنها چه در تاریخ ادبیات فارسی موقفيت‌های بارزی به دست آورده‌اند و در پیشبرد دوستی و مودت چین و ایران سهمیهای خود را ادا کرده‌اند. مثلاً آقای جان هون نیان، دانشیار دانشگاه پکن، حالا مشغول نوشنی تاریخ ادبیات فارسی است. آقای یمی لیان، دانشیار دانشگاه پکن، اکنون دست به تألیف تاریخ دوستی و مودت چین و ایران زده است. آقای سین بین شون، دانشمند چینی در رشته فارسی، غزلهای حافظ را ترجمه و چاپ کرده است. آقای جان هوی، دانشمند چینی در رشته فارسی، منتخب ادبیات رودکی را ترجمه و به طبع رسانیده است. به طوری که اینجانب می‌دانم، تعدادی از آثار ادبی فارسی مانند بوستان سعدی، منتخب ادبیات بهار و تاریخ ادبیات ایران، تألیف صدیق رضازاده شفق، به زبان چینی ترجمه شده و بهزودی

آنها یکی پس از دیگری بعد از انجام وظیفه فرآگیری زبان فارسی، از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدند و به کارهای مختلف پرداختند. اکنون بعضی از آنها دانشمندان زبان فارسی شدند و به کار تحقیقاتی و علمی مشغول‌اند. بعضی از آنها استاد دانشگاه شدند و معلمی را به عنوان حرفه خود پذیرفتند. بعضی دیگر در ادارات دولتی مأمور وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ، رادیو پکن و غیره خدمتگزاری می‌نمایند. ما از صمیم قلب از موقوفیتهای حاصله‌شان در کار شاد و خرسندیم.

در سال ۱۹۸۲/۱۳۶۱ یعنی دو سال قبل ما هفتمین کلاس فارسی را دایر کردیم. این کلاس شامل ۱۲ نفر بود. بهمنظور بالا بردن سطح زبان آموزی و همچنین به خاطر برآورده ساختن نیازهای جامعه، ما برنامهٔ دوزبانی را اختیار کردیم. بدین معنی که هر دانشجو در مدت تحصیل پنجسالهٔ خود باید هم زبان فارسی و هم زبان انگلیسی را یاد بگیرد و در پایان برنامهٔ تحصیلی هر دو زبان را با مهارت فرا گیرد. برای اجرا کردن این ایده، ما برنامهٔ تحصیلی دانشجویان را تعديل و تنظیم کردیم. بر طبق برنامهٔ جدید دانشجویان بخش فارسی پس از ورود به دانشگاه مدت یک سال و شش ماه، به عبارت دیگر سه ترم، فقط زبان انگلیسی را می‌خوانند بدون اینکه با زبان فارسی سروکارداشته باشند. در ترم چهارم آنها زبان فارسی را شروع می‌کنند و در هفته ۱۰ تا ۱۲ ساعت درس فارسی دارند و ۲ تا ۴ ساعت درس انگلیسی دارند. ما دورهٔ تحصیلی سه سال و شش ماهه‌شان را به دو مرحله تقسیم کرده‌ایم. مرحلهٔ اول را مرحلهٔ فارسی اساسی می‌نامیم. این مرحله یک سال و شش ماه طول می‌کشد. در این مرحله دانشجویان بخش فارسی باید تلفظ فارسی، خطنویسی، معلومات عمومی، دستور زبان فارسی و یک هزاروپانصد واژهٔ فارسی را فرا گیرند. دو مین مرحلهٔ تحصیلی آنها که دو سال به طول می‌انجامد، مرحلهٔ فارسی عالی نامیده می‌شود. در این مرحله دستور سیستماتیک زبان فارسی و آثار ادبی قدیمی و معاصر فارسی، به سبکهای مختلف، به دانشجویان آموخته می‌شود. دانشجویان با گنجینهٔ ادبیات فارسی مانند گلستان سعدی، رباعیات خیام، غزلهای دلایلی حافظ و ابیات منتخب از شاهنامهٔ فردوسی آشنایی پیدا می‌کنند. در میان نویسنده‌گان و شعرای معاصر، شاهکارهای هدایت، جمالزاده، بزرگ‌علوی و ملک‌الشعرای بهار به دانشجویان معروفی می‌گردد. در ضمن، درس ترجمه، درس تاریخ ادبیات فارسی و درس تمدن ایران نیز تدریس می‌شوند. ما امیدواریم که در اثر این کوششهای ما دانشجویان چینی بتوانند در کمترین مدت زبان فارسی را فرا گیرند و در راه



تقویت دوستی این دو ملت و تبادل فرهنگی دو کشور بهتر خدمتگزاری کنند.

بالآخره تصمیم گرفتیم از حروف لاتین برای آوانویسی استفاده کنیم،

مرحله سوم، مرحله تصحیح و تکمیل بود. باید اذعان کرد که چند نفر دانشمند چینی به تنها بی از عهده تأثیف یک فرهنگ بزرگ ارزنده و کم غلط برنامی آیند بلکه با اشکالات عدیده دست به گریبان و دچار سهوی گردند. بدین دلیل به دعوت دولت چین، دو تن از دانشمندان ایرانی، دکتر محمدجواد شریعت، استاد دانشگاه اصفهان، و دکتر غلام رضا ستوده، معاون رئیس دفتر تأثیف فرهنگ دهخدا، در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸/۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ دوبار به چین تشریف آورده و به یاری ما شافتند. آنها در مدت اقامت خود در چین متن فرهنگ را دقیقاً و کلمه به کلمه مطالعه و بررسی می کردند و بعضی مثالهای نایخته و نامناسب را تصحیح می کردند و برای ما طبقات مختلف لغات را اعم از ادبی، شاعرانه، مهجور، محاوره‌ای و عامیانه توضیح می دادند و فرهنگ دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ حبیم و فرهنگهای فارسی چاپ کشورهای دیگر، استفاده و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار می دادیم. و بهترین راه را برای تأثیف فرهنگ خود انتخاب کردیم.

اکنون که توفیق انتشار این فرهنگ حاصل شده وقت آن رسیده است که قبل از کمک و یاری ذی قیمت این دو دانشمند ایرانی سپاسگزاری کنیم.

این فرهنگ فرهنگی متوسط است که دارای ۲۶۰۰ صفحه و شامل ۶۰۰۰ واژه فارسی امروزین می باشد. فرهنگ مذکور هفت ضمیمه دارد. ما معتقدیم که این فرهنگ به طور کلی می تواند نیاز دانشمندان و دانشجویان چینی را که در راه ترجمه، کار تحقیقاتی علمی و فارسی آموزی صرف مساعی می کنند برآورده سازد.

اولین فرهنگ فارسی به چینی در چین

به منظور کسب آشنایی بیشتر با تمدن ایران و بالا بردن سطح فارسی آموزی در چین، تأثیف و تدوین یک فرهنگ فارسی به چینی که مناسب برای دانشمندان و دانشجویان چینی بود ضرورت فوری پیدا کرده بود. از این سبب ما تقریباً در ده سال پیش به کار تدوین این فرهنگ پرداختیم.

در جریان طولانی تأثیف آن، چند مرحله طی شده بود. مرحله اول، مرحله آمادگی و تدارک بود. در این مرحله ما تمام مواد مر بوthe را جمع آوری کردیم، فیشهای لازمه را حاضر نموده و از همه فرهنگهای فارسی ای که در دسترس ما بود، مانند لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ حبیم و فرهنگهای فارسی چاپ کشورهای دیگر، استفاده و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار می دادیم. و بهترین راه را برای تأثیف فرهنگ خود انتخاب کردیم.

مرحله دوم، تأثیف و تدوین بود. البته این مرحله مرحله بسی مهم و همچنین دشوار بود. ما باید برای هر واژه فارسی، هر اصطلاح فارسی، هر ترکیب فارسی و هر ضرب المثل فارسی، بهترین و دقیق ترین معادل چینی را تهیه کنیم و برای لغات روزمره، مثالهای زنده و صحیح آوریم. همه اینها برای دانشمندان غیر فارسی زبان چندان آسان نبود. در این میان مشکلات زبانی و تمدنی و فرهنگی وجود داشت. علاوه بر این، یک مشکل دیگری که ما با آن روپر و شدید مشکل انتخاب شیوه برای آوانویسی بود. پس از آزمایشها متعدد و بحث و مذاکره های طولانی و مفصل ما

دشمنی یا گردان بد

از ابودوردا، رضی الله عنه، برآورد که فلاں برادر نوید عاصی مستهل است، او را دشمن می داری یا نه؟ گفت
آن فعل تو را دشمن می دارم، ولی او همچنان برادر من است.

ذخیره‌العلوم (ص ۲۱۰)

دورویسی مذاحان

روایت کنند از امیر المؤمنین علی - گرم الله وجهه - کسی اورا مدح کرد گفت: «من کم از اینم که تو اطهار کردم، وزیادت از آنکه در حسیر لاری»
ابویجیب سهور و دی (آداب المربيین - ص ۱۸۴)